

اسناد و مصوبات

کنگره نوزدهم

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

به انضمام نوشته‌ای درباره آن

۵ فروردین - ۲۹ خرداد ۱۴۰۱

گردآوری و تنظیم: سایت آرشیو اسناد اپوزیسیون ایران

www.iran-archive.com

منبع: سایت کار آنلاین

فهرست:

- ۲..... - پایان کار کنگره نوزدهم سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
- با عزمی راسخ به پیکار در راه آرمان‌های دیرین چپ سوسیالیستی،
پیام کنگره نوزدهم سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به
- ۷..... فدائیان خلق، یاران، رفقا، دوستان و دوستداران سازمان
- ۱۲..... - برای بازیافت کامل کنش‌گری همه‌جانبه سازمان
- درهم‌تنیدگی جنبش‌های اجتماعی مبارزه همگام نیروهای چپ و
- ۱۴..... جمهوری‌خواهان آزادی‌خواه و دمکرات، پیام کنگره نوزدهم به مردم ایران
- ۲۰..... - در خدمت مردم و میهن! در راستای تحقق منافع کارگران و زحمت‌کشان!
- باور کنگره نوزدهم به ضرورت هم‌گرایی نیروهای چپ و برخوردهای نامنتظره
- ۲۸..... - احمد فرهادی

پایان کار کنگره نوزدهم سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) – نشریه کار

پایان-کار-کنگره-نوزدهم-سازمان-فداییان/kar-online.com

نویسنده کنگره نوزدهم سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)



کنگره نوزدهم سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) روز جمعه ۵ فروردین ماه ۱۴۰۱ (۲۵ مارس ۲۰۲۲ میلادی) با یک دقیقه سکوت به یاد رفیق فیروز راد از یاران دیرین سازمان، که در آستانه برگزاری کنگره درگذشت، و با ارج گذاری به تلاش های او و سایر یاران رفته در راه آرمان های انسانی، آغاز به کار نموده روز یکشنبه ۲۹ خرداد ۱۴۰۱ (۱۹ ژوئن ۲۰۲۲ میلادی) با تصویب نهایی سند چارچوب سیاست گذاری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) به پایان رسید. کنگره نوزدهم سازمان توانست در پنج نشست مجازی به همه دستور کار پیش روی خود با موفقیت رسیدگی کرده و تصمیم های لازم را اتخاذ کند. کنگره در کنار انتخاب شورای مرکزی خود و دیگر نهادهای اساسنامه ای منتخب کنگره، چند قرار و سه سند مهم را بررسی و به تصویب رساند.

همان‌گونه که پیش‌تر تاکید کرده بودیم، کنگره ما هم‌زمان با روزهای دشوار میهن‌مان آغاز شد، «در شرایطی که فساد عمیق و همه‌جانبه و سیاست‌های نابخردانه حکومت در کنار تحریم‌های غیرانسانی و جنایت‌کارانه امریکا، سفره‌ی بسیاری از هم‌میهنان‌مان را هرچه کوچک‌تر کرده است». با آگاهی به چنین شرایطی بود که نام کنگره و سند سیاسی مصوب آن را «در خدمت مردم و میهن! در راستای تحقق منافع کارگران و زحمتکشان!» نهادیم تا یک بار دیگر بر وظیفه‌ی خود در قبال هم‌میهنان‌مان و کارگران و زحمتکشان کشورمان تاکید کرده باشیم. تاکید بر این پیوند را در پیام نروزی کنگره به مردم میهن‌مان با آرزوی برداشتن گام‌هایی هرچه بزرگ‌تر در راه دسترسی به آرمان‌های بلند و دیرسال آزادی، عدالت اجتماعی و بهروزی مردم ایران نیز بیان کرده بودیم.

اسناد کنگره نوزدهم پیش از آغاز به کار کنگره از سوی نهادهای منتخب به تشکیلات ارائه و با مشارکت کم‌سابقه اعضای سازمان بررسی و بازتدوین و آماده ارائه به کنگره شدند. همه پیشنهادهای رسیده در رابطه با سندها و قرارها به‌دقت در کمیسیون سیاسی برگزیده کنگره بررسی و به‌ویژه سند سیاسی در چندین نوبت بازتدوین و ویرایش شد. پیشنهادهای پذیرفته نشده در کمیسیون به درخواست ارائه کنندگان آن‌ها در چندین نشست کنگره مورد بررسی و تصمیم‌گیری قرار گرفتند.

اولین نشست کنگره، پس از انتخاب هیئت رییس، قرار با عنوان «برای بازیافت کامل کنش‌گری همه‌جانبه سازمان» را به‌اتفاق آرا به تصویب رساند

در نشست چهارم کنگره پیام به مردم ایران با عنوان «درهم‌تنیدگی جنبش‌های اجتماعی – مبارزه همگام نیروهای چپ و جمهوری‌خواهان آزادی‌خواه و دموکرات» به تصویب رسید. در

همین نشست پیام به فداییان خلق و یاران، رفقا، دوستان و دوستداران سازمان با عنوان «با عزمی راسخ به پیکار در راه آرمان‌های دیرین چپ سوسیالیستی» نیز به تصویب رسید.

کنگره نوزدهم سند چارچوب سیاست‌گذاری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) را به مثابه راهنمای عمل شورای مرکزی در سیاست‌گذاری با عنوان «در خدمت مردم و میهن! در راستای تحقق منافع کارگران و زحمت‌کشان!» در نشست‌های سوم، چهارم و آخر کنگره بررسی و تصویب کرد

یکی دیگر از قرارهای مهم تصویب شده در کنگره نوزدهم سازمان ما، قراری برای بازتدوین برنامه، اساسنامه و آیین‌نامه‌ی کنگره سازمان بود. کنگره این قرار را به اتفاق آرا تصویب و شورای مرکزی منتخب خود را موظف کرد بازتدوین برنامه، اساسنامه و آیین‌نامه‌ی کنگره را در دستور کار خود قرار داده و در اسرع وقت تدابیر و سازمندی‌های ضروری در این زمینه را اتخاذ کند. بر مبنای همین قرار شورای مرکزی سازمان موظف است آیین‌نامه کنگره سازمان را پس از بازتدوین از طریق همه‌پرسی به تصویب برساند. کنگره بیتسم سازمان بر اساس آیین‌نامه بازتدوین شده مصوب، سازمان‌دهی و برگزار خواهد شد.

به جز چهار سند مهم پیوست این گزارش اولیه از کنگره نوزدهم سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)، قرارها و پیشنهادهای دیگری در پنج نشست کنگره بررسی و به تصویب رسیده‌اند اما هیئت ریسه با هدف انتشار هرچه زودتر مهم‌ترین اسناد کنگره، در حال حاضر به این گزارش فشرده اکتفا می‌کند.

هیئت ریسه کنگره نوزدهم ضمن قدردانی از تک‌تک رفقای که با تلاش و مشارکت خود توانستند کنگره‌ای موفق و پربار را سازمان داده و به انجام برسانند، برای نهادهای مرکزی منتخب

کنگره و همهٔ اعضای سازمان در راه خدمت به مردم و میهن و در راه تلاش برای تحقق منافع کارگران و زحمت‌کشان آرزوی پیروزی دارد.

**هیئت ریسهٔ کنگرهٔ نوزدهم سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)
جمعه سوم تیرماه ۱۴۰۱ (۲۴ ژوئن ۲۰۲۲ میلادی)**

www.iran-archive.com

با عزمی راسخ به پیکار در راه آرمان‌های دیرین چپ سوسیالیستی – نشریه کار

kar-online.com/ /با-عزمی-راسخ-به-پیکار-در-راه-آرمانهای

نویسنده کنگره نوزدهم سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)



پیام کنگره نوزدهم سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) به فداییان
خلق، یاران، رفقا، دوستان و دوستداران سازمان!

رفقا، دوستان، یاران، فداییان خلق!

کنگره نوزدهم سازمان به یکایک شما هم‌زمان دیرین روزهای
سخت درود می‌فرستد و عزم قاطع و امید راسخ دارد که در
آینده‌ای نه چندان دور، همه در ایرانی آزاد و سرفراز گرد هم آییم،
پیمان ازلی خود در راه مبارزه دیرین‌مان برای بهروزی خلق‌مان
و رهایی کارگران و زحمت‌کشان میهن‌مان از قیود استبداد،
استعمار و چپاول را بار دیگر در ایرانی آزاد و آباد طنین‌انداز
کنیم.

بیش از شش دهه از پایه‌ریزی جنبش ما و بیش از نیم قرن از

فریاد رسای زنان و مردان پیشتاز فدایی در دل استبداد کودتایی
محمدرضا شاه پهلوی می‌گذرد و هنوز که هنوز است، پژواک
صدای فرزندان رزمجوی مردم در تاروپود سرزمین کهن‌مان
گرمابخش قلوب مبارزان راه آزادی و سرفرازی ایران و ایرانی
است. در طول بیش از پنج دهه پیکار سازمان‌یافته، ما فداییان خلق
ایران در راه رزم سترگ با نظام‌های مستبد پادشاهی و ولایی در
راه آرمان‌های بلند آزادی و داد، صدها یار بلندآوازه خود را از
دست داده‌ایم و هزاران فدایی خلق متحمل آزار و پیگرد و
دستگیری و شکنجه شده‌اند.

بیش از نیم قرن است که مبارزه فداییان خلق ایران در راه
آرمان‌های بلند استقلال، آزادی، عدالت اجتماعی و سوسیالیسم و
علیه هرگونه استبداد، نابرابری، تبعیض، غارت و چپاول،
پیگیرانه در جریان بوده و ادامه یافته است. این پیکار
سرنوشت‌ساز در راه تحقق آرمان‌های والای سوسیالیستی ما در
جهانی مبتنی بر صلح، مردم‌سالاری، حقوق بشر و در پاسداری از
زیست‌بوم مناسب ادامه خواهد داشت.

هر چند استبداد حاکم بر میهن موجب برگزاری همه‌کنگره‌های ما،
به شمول کنگره نوزدهم، در غربت تلخ تحمیلی و خارج از
میهن‌مان شده و بخش بسیار بزرگی از رفقای فدایی خلق ما، به
اقتضای استبداد ولایی از شرکت در آن محروم بوده‌اند، اما این
امر هرگز در اصل پیمان خدشه‌ناپذیر ما با خلق‌مان خللی وارد
نکرده است. کنگره‌های سازمان ما علی‌رغم همه مصائب و
دشواری‌ها میعادگاه همه ما فداییان خلق با یکدیگر است، چرا که
رزم ما رزمی مشترک و فارغ از بعد مسافتی است که بخشی از
واقعیت وجودی ماست. همه ما فداییان خلق ایران، فارغ از مکان
زندگی‌مان، هنوز و همواره دل در گرو پیمان خود با خلق خود
داشته‌ایم و داریم و درپایبندی به این پیمان باهم یگانه‌ایم.
ما از بیش از ۶۰ سال پیش، از همان دوران شکل‌گیری هسته‌های

نخستین پراکنده و پرشماری که در ادامه مبارزه خود به هم پیوستند، از همان روزگار، به درهم آمیزی آگاهی و مبارزه باور داشتیم و هنوز هم داریم. می‌گفتیم و هنوز هم می‌گوییم که تنها داشتن باورها و آرمان‌ها و آماج‌های والا و انسانی بسنده نیست، بلکه لازم است در راه تحقق آن‌ها مبارزه کرد. ما همواره بهترین و بارورترین راه تبلیغ و ترویج باورها و آرمان‌ها و آماج‌ها را، مبارزه کردن خود باورمندان به آن‌ها در راه پیاده کردنشان می‌دانستیم و می‌دانیم. ما با آگاهی بر اینکه مبارزه سیاسی امری اجتماعی و مستلزم بسیج نیرواست، همواره هم در راستای جذب افراد به مبارزه سازمان‌یافته کوشیده‌ایم و می‌کوشیم و هم در راستای اشکال گوناگون هم‌گرایی نیروهای چپ و عدالت‌خواه.

این میل به هم‌گرایی در مبارزه بی‌امان در راه آرمان‌های مان، ما ماهی‌های سیاه کوچک را که از برکه‌های پراکنده در سراسر سرزمین پهناورمان برخاسته بودیم، ما جویبارهای سرد و باریکی را که در جنگل‌ها و کوه‌ها و دره‌ها جاری بودیم، به هم پیوند داد تا در جنگل‌های میهن آفتاب بکاریم. و ما هنوز و همواره در راه این هم‌گرایی می‌کوشیم، چرا که باور داریم که باید دوست بداریم و ما که باید که قلب‌مان سرود و پرچمان باشد، یکی شویم تا بتوانیم بر استبداد و بیداد، بر استثمار و استعمار و سرمایه‌داری غلبه کنیم و نویدبخش جهانی آباد و آزاد و مبتنی بر برابری و عدالت همه‌جانبه پایدار باشیم.

در همین راستا نیز بود که کنگره پانزدهم در ادامه تلاش‌های چندین و چند ساله و هدفمند سازمان، ضمن تأکید بر این که تصمیم‌گیری نهایی در باره چندوچون کنش‌گری سازمان تنها در شرایطی صورت خواهد گرفت که همه نیروهای سازمان امکان شرکت آزادانه در روند تصمیم‌گیری در این باره را داشته باشند، با اکثریت قاطع آرای خود تصمیم به مشارکت سازمان در تشکیل حزب چپ ایران (فداییان خلق) گرفت. سازمان همه توان و

امکانات تشکیلاتی خود را در خدمت بنیان‌گذاری حزب چپ ایران (فداییان خلق) قرار داد و کنش‌گری خود را با هدف استقرار و تثبیت جایگاه آن در سپهر سیاسی میهن به پایین‌ترین سطح ممکن کاهش داد.

پس از بنیان‌گذاری و تثبیت حزب، سازمان بر پایه‌ی مصوبه‌ی کنگره‌ی هژدهم خود آغاز به بازیافت تدریجی کنش‌گری کرد و شورای مرکزی هژدهم سازمان قراری را از طریق همه‌پرسی به رای اعضای سازمان گذاشت. قرار، که با کسب ۹۱ درصد رای مثبت در همه‌پرسی به تصویب رسید، مقرر کرد رویکردهای موجود، با ارج‌گذاری بر تلاش‌های مشترک برای تشکیل حزب و راهیابی‌های بعدی، با احترام اکید به تصمیم یکدیگر و موضع‌شان نسبت به مجموعه‌ی مسئولیت‌ها و محدودیت‌های مصوب کنگره‌های پانزدهم تا هژدهم سازمان، بر پایه‌ی برداشت خود از روندهای طی شده فعالیت سیاسی‌شان را در شکل مورد نظر خود پی خواهند گرفت. در ادامه‌ی کار موضوع بازیافت کامل کنش‌گری همه‌جانبه‌ی سازمان و الزامات سیاسی آن، به عنوان دستور اصلی کنگره‌ی نوزدهم تعیین شد. کنگره‌ی نوزدهم سازمان وظایف موضوعی تعیین‌شده از سوی کنگره‌های پیشین در پیوند با بنیان‌گذاری و پاگیری «حزب چپ ایران (فداییان خلق)» را، چهار سال پس از بنیان‌گذاری آن، تحقق یافته و به‌پایان رسیده دانسته و به‌اتفاق آرای اعضای خود تصمیم به بازیافت کامل کنش‌گری همه‌جانبه‌ی سازمان گرفت. سازمان بنیان‌گذاری حزب چپ ایران (فداییان خلق) را دستاوردی ارزنده در راستای هم‌گرایی نیروهای فدایی، چپ و عدالت‌خواه تلقی می‌کند و از آنجایی که آن را در راه رزم سترگ تاریخی خود نزدیک‌ترین جریان سیاسی به‌خود می‌شمارد، همه‌ی کوشش خود را برای همسویی، همکاری و هماهنگی با حزب به کار خواهد برد.

مجموعه نیروهای چپ ایران در تاریخ بیش از یک قرن خود، علی‌رغم کینه‌ورزی و سمپاشی‌های مدام و مداوم دشمنان مردم، و علی‌رغم سرکوب مدام و مداوم از سوی حکومت‌های مستبد شاهی و ولایی، بیش از هر چیز به عنوان نیروی بیدارگر، نواندیش، گفتمان‌ساز و سازمان‌گر، خدمات بی‌جای‌گزین و بسیار ارزنده‌ای به مردم و میهن ما ارائه داده است. ما فداییان خلق ایران که خود را بخشی از جنبش دیرین عدالت‌خواهی و جنبش تاریخی چپ ایران می‌دانیم، هنوز سرسختانه و پرشور بر این باوریم که میهن ما نیازی مبرم به نیروی چپ و عدالت‌خواه دارد و مجموعه این نیروی گسترده جهت ایفای نقش تاریخی خود به بهینه‌ترین شکل ممکن، نیاز به گسترش هرچه‌بیشتر همکاری، نزدیکی، هم‌گرایی، ائتلاف و اتحاد پایدار با یکدیگر و در صفوف خود دارد. سازمان ما در جامعیت و با مجموعه نیروهای خود و با درس‌گیری از پست‌وبلند تاریخ خود، با عزمی راسخ و به‌جد در این راه خواهد کوشید. در این راستا کنگره نوزدهم سازمان همه نیروهای چپ سوسیالیستی ایران را به نزدیکی هرچه‌بیشتر، به تنگاتنگ کردن صفوف خود و نهادینه کردن پیوندهای خود برای اشاعه سوسیالیسم و کاربست راه حل‌های سوسیالیستی در عرصه‌های گوناگون حیات اجتماعی در میهن‌مان ایران فرامی‌خواند.

سازمان ما یکی از مبرم‌ترین اهداف سیاسی مردمی و میهن‌دوستانه خود را تحقق نظام جمهوری عرفی غیردینی در میهن‌مان می‌داند. چپ ایران از آغاز کنش‌گری خود مبادی برپایی این نوع از حکومت در تقابل با حکومت‌های غیرانتخابی، موروثی و دینی بوده است. پیکار در این راه هنوز هم یکی از اهداف مشترک چپ سوسیالیستی ایران و دارای اهمیت بنیادین برای تأمین بهروزی برای مردم و آینده‌ای سرفراز برای ایران است. این مهم بدون ایفای نقش یک‌پارچه و همسوی همه نیروهای چپ میسر نخواهد شد.

کنگره نوزدهم سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) با ایمان قاطع به توانمندی نیروی چپ ایران در راه ایفای وظیفه و نقش تاریخی خود امیدوار است سامان‌یابی و سازمان‌بخشی به برآمد همسو و همگام چپ، میهن ما را با گام‌های بزرگی به پیش خواهد برد. سازمان ما برای ایفای این نقش مشترک تاریخی آمادگی کامل و عزم راسخ دارد.

یکشنبه، ۸ خرداد ۱۴۰۱ (۲۹ مه ۲۰۲۲ میلادی)
کنگره نوزدهم سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

www.iran-archive.com

برای بازیافت کامل کنش‌گری همه‌جانبه سازمان – نشریه کار

برای-بازیافت-کامل-کنش‌گری-همه‌جانبه/kar-online.com

نویسنده کنگره نوزدهم سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)



برای بازیافت کامل کنش‌گری همه‌جانبه سازمان

کنگره نوزدهم سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) مجموعه وظایف ناشی از قرارهای مصوب کنگره‌های پانزدهم (فوق‌العاده) تا هژدهم سازمان در ارتباط با بنیان‌گذاری حزب چپ ایران (فداییان خلق) را پایان یافته می‌داند و با هدف بازیافت کامل کنش‌گری همه‌جانبه سازمان، با تصویب این قرار مجموعه محدودیت‌ها و ممنوعیت‌های مصوب مرتبط با آن در کنگره‌های مذکور را لغو می‌کند.

جمعه ۵ فروردین ماه ۱۴۰۱ (۲۵ مارس ۲۰۲۲ میلادی)
کنگره نوزدهم سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

در همتی‌دگی جنبش‌های اجتماعی مبارزه همگام نیروهای چپ و جمهوری خواهان آزادی خواه و دموکرات - نشریه کار

در همتی‌دگی-جنبش‌های-اجتماعی-مبارز / kar-online.com

نویسنده کنگره نوزدهم سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)



پیام کنگره نوزدهم سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) به مردم
ایران

هم‌میهنان گرامی!

کنگره نوزدهم سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) به شما مردم
آزاده درود می‌فرستد و شما را با آرزوی آزادی و عدالت اجتماعی
در میهن رنج‌دیده‌مان مورد خطاب قرار می‌دهد.

بیش از نیم قرن پیش، بنیان‌گذاران جنبش و سازمان ما با شوق
آزادی و عدالت اجتماعی در جان، با عشق به بهروزی مردمان
ایران و برای رفع استبداد، استثمار، استعمار و هر گونه تبعیض و
ظلم و ستم اجتماعی پای در راه مبارزه نهادند. ما فداییان خلق

ایران امروز نیز در راه همان اهداف بلند مبارزه می‌کنیم. کنگره نوزدهم سازمان ما در شرایطی برگزار می‌شود که بر میهن ما کماکان نظامی مبتنی بر ولایت مطلقه فقیه حکومت می‌کند، نظامی که از بدو استقرار سرکوب بلافصل مردم و تحدید آزادی و تهدید و پیگرد آزادی‌خواهان را آغاز نمود و استبدادی سخت و سنگین را بر میهن ما تحمیل کرد. دیری نپایید که شوق ناشی از سرنگونی حکومت کودتایی محمدرضا پهلوی جای خود را به اندوه ناشی از استقرار نظام استبداد دینی جمهوری اسلامی داد. حکومتی که در بیش از چهار دهه که از حیات آن می‌گذرد، با مردم و با فرزندان آزادی‌خواه و دادپژوه شما همواره با زبان داغ و درفش سخن گفته و هزاران ایرانی آزاده را قربانی حکومت استبدادی خود کرده است.

استبداد سیاسی و دینی تنها آفتی نیست که نظام جمهوری اسلامی به جان میهن و مردم ما افکنده است. مدیریت بی‌درایت نظام در تمامی شئون و زمینه‌های حیات اجتماعی به رواج گسترده رانت‌خواری، فساد، غارت و فلاکت برای ایران و ایرانی منجر شده است. البته چنین نیست که میهن ما در بیش از چهل سالی که از حیات جمهوری اسلامی می‌گذرد، تغییر مثبت و پیش‌رفتی نداشته است. باری مردم و میهن و جامعه مدنی کشورمان برای هر پیروزی بهای سنگینی پرداخته‌اند.

امروز کشور ما با منظومه‌ای از بحران‌های ناشی از ناکارآمدی نظام جمهوری اسلامی روبروست. آنان حتی در پاسخ به ضروری‌ترین مطالبات مردم کشور که تأمین نیازهای روزمره آنان است، ناتوانند. مطابق آمارهای رسمی و اظهارنظر کارشناسان، حدود چهل درصد مردم زیر خط فقر قرار دارند و میزان بیکاری نیز بیش از بیست درصد تخمین زده می‌شود. این میزان بیکاری در شرایطی است که سرزمین ایران، یکی از غنی‌ترین کشورهای دارای منابع نفت و گاز و برخوردار از منابع

معدنی فراوان است، اما نظام حاکم بر کشور به جای بهره‌برداری عقلانی از این منابع برای توسعه و پیشرفت کشور و تأمین سعادت و خوشبختی مردم، مسیری جدا از خواست و اراده آنان در پیش گرفته است.

بی‌مسئولیتی حکومت در قبال خواسته‌های به‌حق مردم، نفوذ و دخالت نیروهای نظامی و امنیتی در همه امور کشور، وجود نهادهای موازی و فساد در ساختار اقتصادی و سیاسی کشور، باعث گسترش یاس و نومیدی، بخصوص در طبقات فرودست جامعه، شده است. نتیجه این ناکارآمدی‌ها، ضعف‌ها، نظارت استصوابی، انتخابات غیر آزاد و رد صلاحیت افراد را می‌توان در میزان نازل مشارکت مردم در پای صندوق‌های رای دید. دستگاه ولایت فقیه و ارکان اقتدارگرایی، که طی همه این سال‌ها قدرت را در اختیار داشته‌اند، چاره رویارویی با روندهای پرتلاطم اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور را در به‌انحصار خود درآوردن همه نهادهای حکومتی دیده‌اند. پس از گذشت چهار دهه اینک حاکمیت “یکپارچه” جمهوری اسلامی با مسلط کردن اقلیتی در هیئت نیروهای نظامی، امنیتی و سایر وابستگان خود بر قوای مقننه، مجریه و قضاییه، همه منابع کشور را در انحصار خود گرفته، مردم را به حاشیه رانده و کشور را در مسیر خطرناکی قرار داده است.

مدیریت نابخردانه و عدم توجه مزمین به مجموعه امور کشور، موجب تشدید بحران‌های همه‌جانبه شده است. شیوع وسیع رانت، انتصاب مدیران بدون پیشینه تخصصی به مصدر مهم‌ترین عرصه‌های اقتصادی - اجتماعی - فرهنگی، عدم توجه به منابع و ذخایر و به زیست‌بوم کشور، بی‌مبالاتی مدیریتی در زمینه مدیریت کلان آب و حوزه‌های تأمین آب شرب، همه‌وهمه در راستای تخریب زیرساخت‌های حیات میهن‌مان است. تأثیر ویرانگر مؤلفه‌های پیش‌گفته به‌ویژه در این پیش‌زمینه قابل تأکید است که

به‌خاطر تغییرات مخاطره‌آمیز اقلیمی، شرایط زیستی در کشور ما، که با کم‌آبی دیرپا و در بخش‌های وسیعی از آن با بیابان و بیابان‌زایی مواجه است، رو به وخامت بی‌سابقه‌ای گذاشته است. گذشته از حکومت ولایی جمهوری اسلامی، سیاست‌های امپریالیستی و سلطه‌گرانه آمریکا، که در بیش از سه دهه گذشته و پس از فروپاشی بلوک شرق رو به تزايد گذاشته، در جلوه‌های گوناگون خود از تحمیل جنگ عیان به مردمان هم‌پیوند و هم‌تبار کشورهای همسایه ما تا اعمال تحریم‌های ظالمانه، پیمان‌شکنانه و غیرقانونی علیه مردم ما، بار سنگین فشار اقتصادی بر مردم را افزون‌تر و سفره بسیاری از محروم‌ترین اقشار، گروه‌های اجتماعی و طبقات جامعه ما را هر چه کوچک‌تر کرده است.

سیاست‌های اقتصادی کلان جمهوری اسلامی، به‌ویژه در زمینه «خصوصی‌سازی»، در تلفیق با منش رانت‌خوارانه و فسادبنیان اقتصادی و راهبرد سیاسی امنیتی کردن همه عرصه‌های اجتماعی، منجر به تشدید روند ویرانی و تباهی ساختار اقتصادی کلان کشور، رشد بیکاری، افزایش تورم، کاهش ارزش واحد پول کشور، افزایش لگام‌گسیخته قیمت کالاها، به‌ویژه اقلام ضروری مورد نیاز، و در کل افزایش هزینه معاش شده است. سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) بر این باور است که راه دستیابی مردم ایران به آزادی، آبادی، رفاه و بهروزی، ادامه کنش‌گری جاری و بی‌وقفه برای رفع تبعیض‌های اجتماعی در میهن‌مان تا رسیدن به یک جمهوری عرفی غیردینی است که، از یک‌سو از اراده آزاد و برابر حقوق و دموکراتیک مردم ایران نشأت گرفته باشد و از سوی دیگر بر حفظ استقلال کشور و دفاع از منافع مردم و میهن (منافع ملی) و عدم همراهی با برنامه‌های سیاسی-اقتصادی امپریالیستی تأکید کند، با احترام به مجموعه مبانی حقوق بشر به الغای قانونی تبعیض‌های اجتماعی پای‌بند باشد

و بلاوقفه در راه تحقق برابرحقوقی کامل همه ایرانیان صرف نظر از جنسیت و تعلق طبقاتی و دینی و خاستگاه ملی-قومی آنان بکوشد.

ما فداییان خلق در این راه صرفاً به نیروی مستقل مردم و جنبش‌های اجتماعی نیرومند موجود در جامعه ایران به ویژه جنبش‌های زنان، کارگران، آموزگاران و فرهنگیان، دانشجویان، بازنشستگان و کنشگران فرهنگی مناطق ملی-قومی و نیز مجموعه جامعه مدنی مستحکم جاری در میهن‌مان باور و تکیه داریم. رمزواژه ساختن ایران آزاد و آباد فردا در درهم‌تنیدگی هرچه بیشتر این جنبش‌ها نهفته است. فداییان خلق ایران به عنوان جنبشی مردمی از بدو آغاز شکل‌گیری خود تا کنون همواره به پشتوانه جنبش‌های مردمی در میهن تلاش و مبارزه کرده‌اند و امروز نیز ما هر آنچه در توان داریم در راه تحکیم این پیوند سرمایه خواهیم کرد.

ما بر این باوریم که جهان امروز ما بیش از هر زمان دیگر جهانی درهم‌تنیده و چندوجهی است و در مواجهه خود با معضلات کشور و موانع موجود و در راه رسیدن میهن‌مان به آزادی، آبادی و رفاه نیز از این منظر به جهان می‌نگریم. از این‌رو در راه رسیدن به اهداف برنامه‌ای خود بر پایبندی به مبارزه با استبداد و نظام ولایی حاکم بر میهن از یک سوی و مبارزه با سیاست‌ها و برنامه‌های امپریالیستی برای آینده کشور و منطقه و اقصی نقاط جهان از سوی دیگر تأکید می‌کنیم. هم از این‌رو است که نه برای رسیدن به جمهوری عرفی غیردینی مورد نظرمان به حکومت‌های بیگانه اتکاء می‌کنیم، نه در مقابله با سیاست‌ها و برنامه‌های امپریالیستی به توهم هم‌گرایی محتمل با نظام ولایی حاکم بر میهن متوسل می‌شویم و نه جهت نیل به نظامی مبتنی بر مردم‌سالاری به توهم همکاری با وارثان نظام سلطنتی در می‌غلطیم.

مهمترین پیام کنگره نوزدهم سازمان و بازتاب و پژواک رویکرد ما عزم راسخ و خدشه ناپذیر برای افزایش همگرایی، نزدیکی، اتحاد عمل و ائتلاف با مجموعه نیروهای جمهوری خواه باورمند به مردمسالاری و عدالت خواه در راستای تحقق جمهوری مورد نظر ماست.

بار دیگر به شما مردمان رزمنده و آگاه درود می فرستیم و به امید فرارسیدن هر چه زودتر سپیده ممتد آزادی و عدالت در رزم مدام و دیرین خود با استبداد تجدید پیمان می کنیم .

یکشنبه، ۸ خرداد ۱۴۰۱ (۲۹ مه ۲۰۲۲ میلادی)
کنگره نوزدهم سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

در خدمت مردم و میهن! در راستای تحقق منافع کارگران و زحمت‌کشان! – نشریه کار

kar-online.com/مناف-تحقق-راستای-میهن-در-راستای-تحقق-مناف/

نویسنده کنگره نوزدهم سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)



سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) سازمانی مردمی، میهن‌دوست و باورمند به سوسیالیسم دموکراتیک است و در راه آرمان‌های والای استقلال، آزادی، عدالت اجتماعی و تامین منافع مردم و کشور (منافع ملی) مبارزه می‌کند.

سازمان با پایبندی به برنامه مصوب خود در راه تحقق جمهوری عرفی غیردینی و متعهد به مبانی حقوق بشر و اصول دموکراسی و مبتنی بر اراده و آرای آزاد، برابر حقوق و دموکراتیک مردم میهن‌مان مبارزه می‌کند و قاطعانه مخالف حکومت‌های غیرانتخابی، دینی، موروثی و ایدئولوژیک است.

راهبرد سیاسی سازمان برای تحقق این هدف مبارزه پیگیر در راه دگرگونی ساختار سیاسی از طریق تکیه بر مبارزه مسالمت‌آمیز، کنش‌گری و برآمد جنبش‌های موجود در کشور و اعمال فشار

جامعه مدنی است. از ارکان سیاست سازمان مخالفت با ساختار ولایت فقیه، مخالفت با استبداد و مبارزه در راه تأمین شرایط انتخابات آزاد از جمله از راه حذف نظارت استصوابی و تغییر در نظام انتخاباتی کشور است.

سازمان به تحقق همبستگی اجتماعی و رفاه مردم پایبند است؛ در راستای رفع همه تبعیض‌های اجتماعی از جمله در زمینه‌های طبقاتی، سیاسی، جنسیتی، اجتماعی، اقتصادی، اعتقادی و ملی-قومی-منطقه‌ای می‌کوشد؛ و با عزمی راسخ در راه تأمین حقوق و منافع کارگران، برزگران، زحمت‌کشان و دیگر اقشار و گروه‌های محروم جامعه مبارزه می‌کند.

سازمان در مبارزه سیاسی خود و در مخالفت با جمهوری اسلامی تنها به مردم ایران اتکاء دارد، با هرگونه مداخله نیروهای بیگانه در امور سیاسی ایران مقابله و توسل به هرگونه کمک حکومت‌ها و محافل خارجی و مشارکت در ائتلاف‌ها و آترناتیوهای ساخته و پرداخته بیگانگان را قاطعانه رد می‌کند. هرگونه گفت‌وگو با نهادهای بین‌المللی و نمایندگان دولت‌ها و احزاب و نیروهای خارجی باید علنی و شفاف باشد.

چارچوب سیاست‌گذاری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)
کنگره نوزدهم سازمان در راه دستیابی به اهداف فوق، با اعتقاد عمیق به ثمردهی شیوه مبارزه مسالمت‌محور و تأکید و تکیه بر اعتراضات، برآمدها و جنبش‌های مطالباتی صنفی، طبقاتی و همگانی، فعلاً نه برای تحقق اصلاحات دموکراتیک و خواست‌های برحق مردم و تحمیل آن‌ها به حکومت مبارزه و چارچوب سیاست‌گذاری خود را به صورت زیر تعیین می‌کند.

در زمینه مبارزات و مطالبات مردم

پشتیبانی از مبارزات مسالمت‌آمیز و مطالبات برحق و عدالت‌خواهانه مردم؛ همراهی با جنبش‌های شهروندی، تأکید بر همپوشانی و درهم‌تنیدگی جنبش‌ها و خواست‌های اقشار، گروه‌های

شغلی و اجتماعی و طبقات گوناگون، همچنین تاکید بر همکاری و همیاری آن‌ها با یکدیگر برای وادار کردن حکومت به تن دادن به خواست آنان و به رسمیت شناختن حق اعتراض مردم؛ دفاع از هرگونه تلاش جهت تعدیل اختلاف طبقاتی و کاهش فقر در کشور. دفاع از حقوق و منافع کارگران، معلمان، کارمندان، کشاورزان، زحمت‌کشان، مزدو حقوق‌بگیران دیگر و اقشار کم‌درآمد و مبارزه در راستای تامین آزادی تشکلهای صنفی آنان (اتحادیه‌ها، سندیکاها، شوراهای مستقل، تعاونی‌ها)؛ مبارزه برای تامین و گسترش قوانین بهداشت و امنیت کار و بیمه‌های تامین اجتماعی؛ مبارزه برای قانونی شدن حق اعتراض و اعتصاب و تحسن؛ مبارزه بر علیه بازداشت و زندانی کردن فعالین کارگری و صنفی.

پافشاری بر برابر حقوقی زنان و مردان در همه عرصه‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، به‌ویژه حق سرپرستی بر فرزندان؛ مبارزه و کوشش در راستای تامین امکانات برای زنان جهت ایستادگی در برابر زورگویی و خشونت؛ مبارزه برای تغییر قوانین نابرابر جنسیتی.

مبارزه در راه تامین و تضمین قانونی حقوق کودک و منع کار کودک و الزام دولت به تامین امکانات لازم و شایسته برای کودکان بی‌سرپرست و بی‌خانمان، به‌ویژه در زمینه مسکن، معیشت و آموزش.

مخالفت با خصوصی‌سازی و پولی کردن خدمات دولتی و موسسه‌های آموزش و پرورش عمومی (دبستان‌ها، دبیرستان‌ها، مدرسه‌های حرفه‌ای، مدرسه‌های عالی و دانشگاه‌ها)؛ پافشاری بر آموزش رایگان برای همه و برنامه‌ریزی برای ریشه‌کن کردن کامل بی‌سوادی از کشور؛ مبارزه برای بهداشت و ورزش رایگان همگانی؛ مبارزه با فسادهای اقتصادی و سیاسی (رانت‌خواری، اختلاس، ارتشاء، ...).

مبارزه در راه رعایت حقوق بشر توسط حکومت و ارتقا سطح برخورداری شهروندان از آزادی‌های جهان‌شمول مندرج در بیانیه جهانی حقوق بشر، احترام به شان خدشه‌ناپذیر هر انسان و حق او برای داشتن زندگی در شان انسان و برخورداری از یک محیط پاک، سالم و پایدار.

پافشاری بر لزوم جدایی دین از حکومت، آزادی باورهای عقیدتی، احترام به ادیان و مذاهب گوناگون؛ مبارزه برای تامین و تضمین برابر حقوقی همه گروه‌های ملی-قومی؛ پافشاری بر احترام به فرهنگ‌ها، آداب، سنت‌ها و زبان‌های گوناگون در گستره میهن؛ حمایت از فعالیت کنش‌گران حوزه‌های فرهنگی و هنری در پاسخ به نیازهای همگانی جامعه؛ پافشاری بر احترام به حق انتخاب آزادانه شیوه زندگی از سوی مردم و مخالفت پی‌گیر با حجاب اجباری؛ پافشاری بر احترام به حق مردم برای شاد بودن. دفاع از آزادی‌های سیاسی و اجتماعی؛ مخالفت و مقابله با استبداد، سرکوب، حصر، دستگیری فعالان مدنی و سیاسی، شکنجه و اعدام؛ همراهی با مبارزات مردم در راستای آزادی بیان و آزادی پس از بیان؛ مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی و حذف جرم سیاسی.

ایستادگی در مقابل تخریب و آلوده‌سازی محیط زیست و استفاده بی‌رویه از منابع طبیعی، از جمله آب، هوا، جنگل‌ها، دریاچه‌ها و رودخانه‌ها؛ تاکید بر نیاز به برنامه‌ریزی درازمدت برای توسعه و ترویج کشاورزی سالم و پایدار؛ تاکید بر توسعه و سرمایه‌گذاری در سامانه‌های ترابری با انرژی‌های پاک؛ تاکید بر نیاز به اعمال سیاست‌های محدودسازی آلودگی هوا و برنامه‌ریزی برای گسترش منابع تجدیدپذیر انرژی و فاصله گرفتن از انرژی‌های فسیلی در راستای زیست‌بوم متوازن و پایدار.

پافشاری بر ضرورت اصلاح روند خصوصی‌سازی کنونی که بر اساس دیدگاه‌های نولیبرالی صورت می‌گیرد؛ پافشاری بر ضرورت کاهش وابستگی اقتصاد به رانت دولتی مرتبط با درآمد نفت و سایر معادن و منابع ملی؛ مخالفت با فروش تاسیسات دولتی و سیستم‌های خدمات مورد نیاز عموم از جمله آب، برق، تلفن، و شبکه‌های مخابراتی و ترابری به بخش خصوصی؛ مبارزه در راه واگذاری نهادهای اقتصادی که قرار است خصوصی شوند به تعاونی‌ها و شوراهای کارکنان همان نهادها؛ مخالفت با واگذاری حق استفاده از منابع طبیعی به‌شمول نفت و میعانات گازی به وابستگان به حاکمیت.

پافشاری بر لزوم تبدیل سامانه یارانه نقدی به پرداخت حق تامین معاش به خانوارهایی که درآمد آن‌ها زیر خط فقر قرار دارد. تاکید بر ضرورت برنامه‌ریزی اقتصادی در راستای کاهش اتکا و وابستگی درآمد دولت به فروش ذخایر سوختی به‌ویژه نفت با اعمال سیاست‌های متکی بر کسب مالیات‌های عادلانه و ایجاد امکانات سرمایه‌گذاری در زمینه تولیدات صنعتی و فنی. تاکید بر نیاز صنایع فرسوده از اداره ناکارآمد چهل‌ساله جمهوری اسلامی، به‌شمول صنایع تولیدی صادره شده در دوران انقلاب، به روزآمد شدن و به سرمایه‌گذاری‌های بزرگ برای بازسازی؛ تاکید بر بهره‌گیری از الگوهای مختلف موجود برای این سرمایه‌گذاری‌ها؛ تاکید بر نقش دولت به‌صورتی شفاف و محدود به حفظ منافع عمومی و پیشگیری از چپاول امکانات ارزشمند مردم ایران.

مبارزه با اعمال تبعیض حکومتی که پس از یک‌دست شدن حکومت امکان بیشتری نیز یافته است؛ مبارزه برای موظف کردن حکومت به تامین برابر حقوقی انسان‌ها فارغ از جنسیت، موقعیت شغلی، مالی، تعلق ملی- قومی، و باورهای دینی و مذهبی؛ حمایت از تمرکززدایی؛ مطالبه برنامه‌ریزی و بودجه‌بندی در راستای

منافع مردم و کشور (منافع ملی) و حمایت از زحمت‌کشان و نواحی محروم مانده کشور و به‌دوراز باندبازی و ملاحظات محفلی.

در زمینه مناسبات با نیروهای سیاسی

همکاری، نزدیکی، هم‌گرایی، ائتلاف و اتحاد با احزاب، سازمان‌ها و نیروهای چپ و عدالت‌خواه؛
همکاری، اتحاد عمل و ائتلاف با نیروهای "ملی"، "ملی-مذهبی"
و جمهوری‌خواهان باورمند به دموکراسی، در راستای منافع مردم و میهن (منافع ملی) و مردم‌سالاری در ایران؛
اعلام آمادگی برای گفت‌وگوی علنی با همه نیروهای سیاسی ایران و استقبال از آن.

در زمینه سیاست خارجی

نگاه صلح‌آمیز به جهان و باور به حق زندگی همه انسان‌ها در صلح، امنیت، آرامش و رفاه؛ مخالفت و مقابله با سیاست‌های تجاوزکارانه، سلطه‌جویانه و امپریالیستی؛ استقبال از رقابت مسالمت‌آمیز و همکاری اقتصادی به‌ویژه بر پایه تغییرات دوران‌ساز جاری و تحول مثبت عبور جهان از آرایش تک‌قطبی به چندقطبی.

حمایت از موضع‌گیری‌های سیاسی کشورها در جهت حمایت از صلح، عدالت اجتماعی و پرهیز از جنگ در جای‌جای جهان؛ حمایت از تعامل کشورها با همدیگر و همزیستی مسالمت‌آمیز ملت‌ها؛ اعتقاد به عدم مداخله کشورها در امور داخلی همدیگر؛ مخالفت با تقابل نظامی، تبلیغ لزوم برچیده شدن پیمان نظامی آتلانتیک شمالی (ناتو) و دیگر پیمان‌های نظامی؛ حمایت از پایان دادن به هرگونه تحریم و محاصره اقتصادی؛ حمایت از تقویت نقش سازمان ملل متحد؛ حمایت از حل‌وفصل مسایل مورد مناقشه میان کشورها از طریق گفت‌وگوی مستقیم یا با واسطه سازمان‌های بین‌المللی.

تاکید بر اینکه تسلیحات هسته‌ای در هر کشوری که باشد تهدیدی خطرناک علیه هستی جامعه بشری است و حمایت از عاری‌سازی جهان از سلاح‌های کشتار جمعی و در راس آن‌ها سلاح‌های هسته‌ای، شیمیایی و بیولوژیک.

تاکید بر لزوم برقراری روابط سیاسی و عادلانه ایران با همه کشورهای بر پایه منافع مردم و کشور (منافع ملی) و مناسبات برابر حقوق و بر پایه احترام متقابل، متعادل کردن سیاست خارجی کشور بر پایه حقوق و عرف حاکم بر مناسبات بین‌المللی، بسط مناسبات برابر حقوق و همکاری اقتصادی با همه کشورهای و لزوم گفت‌وگوی رودررو و مستقیم میان دولت‌های جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا و احیای مناسبات دیپلماتیک بین دو کشور.

حمایت از پایان‌یابی مناقشه و حل مجموعه مشکلات مرتبط با "برنامه جامع اقدام مشترک" (برجام) از طریق توافق دیپلماتیک در انطباق کامل با موازین و مصادیق حقوق بین‌الملل و در چارچوب منافع مردم و کشور (منافع ملی)؛ مخالفت با هر گونه تلاش برای سلب اعتبار از برجام از هر سو که باشد و پافشاری بر پایبندی طرف‌های توافق به تعهدات موضوعی خود در چارچوب آن.

تاکید بر ضرورت حل و فصل دیپلماتیک مسایل کشور ما با همه کشورهای منطقه و پی‌ریزی مناسباتی سازنده برای حفظ امنیت کشورهای منطقه؛ تاکید بر تلاش برای تنش‌زدایی و رفع متقابل نگرانی‌های موجود منطقه‌ای، دنبال کردن سیاست همزیستی مسالمت‌آمیز، حسن همجواری، داشتن مرزهای امن و عدم دخالت در امور یکدیگر؛ تاکید بر ضرورت پایان دادن بی‌درنگ به جنگ و خون‌ریزی در یمن؛ تاکید بر محکومیت نقض حقوق فلسطینیان توسط دولت اسرائیل و حمایت از پایان دادن به معضل دیرین و خون‌بار اسرائیل و فلسطین با پذیرش و شناسایی موجودیت دو

کشور فلسطین و اسرائیل.

حمایت فعال از عاری‌سازی منطقه از سلاح‌های کشتار جمعی؛
تاکید بر ضرورت انعقاد پیمان امنیت دسته‌جمعی بین کشورهای
منطقه به‌مثابه جای‌گزین معاهدات فراهم‌آورنده بهانه حضور
نظامی نیروهای غیرمنطقه‌ای؛ استقبال از بسترها و فرصت‌های
نوین برای بهره‌گیری از منافع متقابل در کنار شرایط خطرناک
منطقه؛ تاکید بر برابرقوقی و همکاری و همگامی برای توسعه
پایدار و پیشرفت؛ تکیه بر نیاز فزاینده به ایجاد اتحادیه‌های
اقتصادی و راهروهای تجاری در چشم‌انداز آینده در جهت گسترش
رفاه، صلح و بهروزی مردم منطقه.

یکشنبه، ۲۹ خرداد ۱۴۰۱ (۱۹ ژوئن ۲۰۲۲ میلادی)
کنگره نوزدهم سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

باور کنگره نوزدهم به ضرورت همگرایی نیروهای چپ و برخورد های نامنتظره! – نشریه کار

اباور-کنگره-نوزدهم-به-ضرورت-همگرایی-ن/ kar-online.com

نویسنده احمد فرهادی



چند روز پیش نوشتاری به نام “تحریف روند تشکیل حزب چپ ایران (فدائیان خلق)” در اخبار روز منتشر شد. نوشتار به نقد کنگره نوزدهم سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) پرداخته و با کمال تاسف با طرح نکاتی نادقیق و نادرست و نقل قول های ناقص و بریده بریده، امکان و زمینه ارائه سیمای مضمونی نادرست و توهم آمیز از سازمان و کنگره نوزدهم را فراهم آورده است. من می‌کوشم به چند نکته از این موارد بپردازم.

اتهام چرخش به راست و فاصله‌گیری از برنامه و استراتژی
سیاسی پیشین

نوشتار بدون هیچ مقدمه‌ای با بخشی زیر عنوان “چرخش به راست” اسناد کنگره آغاز می‌شود ولی بدون نوشته شدن حتی یک کلمه در مورد این اتهام، مستقیماً روند و چگونگی تشکیل حزب چپ مورد بحث قرار می‌گیرد. بازگشت به اتهام چرخش به راست در بخش پایانی زیر عنوان “سیر تحولی سازمان” صورت می‌گیرد و همراه می‌شود با ادعای فاصله‌گیری از برنامه و استراتژی سیاسی پیشین. در این بخش، علی‌رغم بسامد چندباره ادعای گردش به راست، برای مستدل کردن آن و همچنین برای مستدل کردن ادعای “فاصله‌گیری از برنامه و استراتژی سیاسی پیشین”، تنها یک دلیل آورده می‌شود «در اسناد کنگره ۱۹ گذار از جمهوری اسلامی به جمهوری دموکرات سکولار” کنار گذاشته شده بجای آن تحقق جمهوری عرفی غیردینی آمده است». از آنجایی که تنها نکته مضمونی در نوشتار همین ادعا و همین یک خط استدلال است نخست به آن می‌پردازم.

سند “در خدمت مردم و میهن”، در ۵ پاراگراف بسیار فشرده در پیشانی، سازمان را معرفی می‌کند، از هدف‌ها و راهبرد سیاسی سازمان، از ارکان سیاست سازمان، از پایبندی سازمان به تحقق همبستگی اجتماعی، از جانبداری طبقاتی سازمان و همزمان از پایبندی سازمان به منافع ملی سخن می‌گوید، بر مبارزه برای تحقق خواست‌های برحق مردم و تحمیل آن‌ها به حکومت پامی‌فشارد و به روشنی هرگونه مداخله نیروهای بیگانه را رد و اعلام می‌کند سازمان در مبارزه سیاسی خود و در مخالفت با جمهوری اسلامی تنها به مردم ایران اتکاء دارد. سند “در خدمت مردم و میهن” نه با هدف تکرار برنامه مصوب سازمان، بلکه با این هدف تنظیم شده که با پایبندی به برنامه مصوب سازمان چارچوب سیاست‌گذاری سازمان در همه عرصه‌های زندگی مردم میهن‌مان را به روشنی

معین کند، زیرا کنگره مبارزه در این عرصه‌ها را به روزگاری دیگر حواله نمی‌دهد و وظیفه همین امروز سازمان می‌داند. سند در رابطه با گذار از جمهوری اسلامی نیز، به‌جای تکرار همان وجه نافی موجود در برنامه سازمان، به برجسته کردن وجه اثباتی این موضوع می‌پردازد؛ به این می‌پردازد که سازمان برای رسیدن به چه نوع جمهوری مبارزه می‌کند. البته در توضیح آن جمهوری از واژه‌های رایج در زبان فارسی بیشتر بهره گرفته تا از واژه‌های فرنگی و همین مورد نیز از سوی نوشتار به‌مثابه نمونه‌ای بارز از راستروی ارزیابی شده است!

اکنون برگردیم به آن استدلال و بپرسیم آیا به‌کار بردن گزاره «عرفی غیردینی» به‌جای واژه «سکولار» اصولاً می‌تواند نشانه، آن‌هم از نوع بارز، گردش به راست باشد؟ چنین استدلالی چه اندازه می‌تواند جدی باشد؟ یا بپرسیم این استدلال را چه اندازه می‌توان جدی گرفت که آوردن وجه اثباتی «تحقق جمهوری عرفی غیردینی و متعهد به مبانی حقوق بشر و اصول دموکراسی و مبتنی بر اراده و آرای آزاد، برابر حقوق و دموکراتیک مردم میهن‌مان» در سند کنگره نوزدهم به‌جای وجه نافی «گذار از جمهوری اسلامی» در برنامه، نشانه بارزی معرفی شود از اینکه «از برنامه و استراتژی سیاسی پیشین فاصله گرفته» شده است؟ آیا بستن چشم بر این تاکید سند که «سازمان با پایبندی به برنامه مصوب خود ... مبارزه می‌کند» و زدن تهمت «فاصله‌گیری از برنامه و استراتژی سیاسی پیشین» در یک نوشتار سیاسی پسندیده و درست است؟ آن‌هم در شرایطی که نویسنده به خوبی بر این نکته واقف است که برنامه مصوب سازمان کماکان از اعتبار برخوردار است.

اسناد کنگره نوزدهم در ادامه منطقی برنامه سازمان و از موضع یک سازمان چپ سوسیالیستی میهن‌دوست پایبند به آرمان‌های والای استقلال، آزادی، عدالت اجتماعی و تامین منافع مردم و

کشور (منافع ملی) و مجهز به نگاه صلح‌آمیز به جهان و باورمند به حق زندگی همه انسان‌ها در همه کشورها در صلح، امنیت، آرامش و رفاه تدوین شده است؛ از موضع یک سازمان چپ سوسیالیستی میهن‌دوست که مبارزه برای بهروزی مردم را به فردایی دور یا نزدیک حواله نمی‌دهد؛ که در خود و پایه اجتماعی‌اش این توان و این اراده را سراغ دارد که تناسب بین اهداف بلندمدت، میان‌مدت و کوتاه‌مدت را برقرار کند؛ که از یک سو به‌خاطر اهداف بلندمدت از مبارزه برای اهداف نزدیک‌تر دل بر نمی‌کند و از دیگر سو آن‌چنان غرق در مبارزه برای اهداف نزدیک‌تر نمی‌شود که دست از مبارزه برای هدف‌ها و آماج‌های بلندمدت‌تر و آرمان خود بشوید.

تاریخچه بنیان‌گذاری حزب چپ

اکنون برگردیم به بنیان‌گذاری. نوشتار ادعا می‌کند در اسناد کنگره نوزدهم عامدانه روند چند ساله قبل از کنگره ۱۵ پاک و آن دوره با آدرس کلی و مبهم "تلاش‌های چندین و چند ساله و هدفمند سازمان" بیان شده‌اند و خود از یک سو به گزینه‌گویی و بازتاب نادقیق و غیرواقع‌بینانه آنچه گذشته است می‌پردازد و از سوی دیگر می‌کوشد با به فراموشی سپردن کنگره‌های چهاردهم و پانزدهم سازمان بنیان‌گذاری را به اصطلاح "پروژه وحدت" پیوند بزند که چند ماه پیش از کنگره پانزدهم سازمان به دلایلی که به سازمان ما ارتباطی نداشت، به‌پایان رسیده و موضوعیت خود را از دست داده بود. باری کنگره نوزدهم بر آن نبود که تاریخ‌نگاری کند و لازم نبود گزارش‌ها و اسناد کنگره‌های پیشین سازمان را در باره تشکیل حزب بازگوید، بلکه تنها می‌خواست اشاره‌ای کوتاه داشته باشد بر تشکیل حزب و چرایی کاهش چندساله کنش‌گری خود و چرایی بازیافت دوباره آن. من پیش‌تر

بنیان‌گذاری حزب چپ را در چند نوشتار توضیح داده‌ام ولی برای زودن هرگونه سوء تفاهم، یک‌بار دیگر تاریخچه بسیار فشرده‌ای از آن را، برپایه اسناد منتشر شده، می‌نویسم.

آبان‌ماه ۱۳۹۱ سازمان اتحاد فداییان خلق ایران، سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) و شورای موقت سوسیالیست‌های چپ ایران، «فراخوان برای مشارکت در روند شکل‌دهی تشکل بزرگ چپ» [۱] را منتشر کردند و همراه با شماری از کنش‌گران چپ، که پسین‌تر به فراخوان پیوستند، دست به سازمان‌دهی خود زدند و روی «نقشه راه» دوساله‌ای برای تهیه منشور و اساسنامه برای تشکیلات جدید به توافق رسیدند.

در جریان پیشرفت کار، «روند شکل‌دهی تشکل بزرگ چپ» کم‌کم به‌صورتی اراده‌گرایانه و غلط «پروژه وحدت چپ» نامیده شد. یعنی «وحدت چپ» جای «شکل‌دهی تشکل بزرگ چپ» را گرفت و «پروژه» جای «روند» را.

نزدیک به دو سال کوشش برای تدوین سند پایه‌ای مشترک بی‌سرانجام ماند. دوروبر پایان سال ۱۳۹۳ و آغاز سال ۱۳۹۴ مشخص شد که دستیابی به یک سند پایه‌ای مشترک از میان ۴ منشور جداگانه ارائه شده صورت نخواهد گرفت [۲]. زمزمه کنار کشیدن از روند، که از نیمه‌های راه از سوی سازمان اتحاد فداییان خلق ایران، شورای موقت سوسیالیست‌های چپ ایران و بخشی از کنش‌گران چپ آغاز شده بود، بسامد بسیار بیشتری یافت.

یک ماه پس از آن کنگره چهاردهم سازمان (۲۰ تا ۲۲ فروردین ۱۳۹۴) با در نظر گرفتن این واقعیت، که «روند شکل‌دهی تشکل بزرگ چپ» یا به‌اصطلاح «پروژه وحدت چپ» در حال تلاشی است، در پی چاره برآمد و قراری شش‌بندی در باره روند پیش‌رفته تصویب و در بند ششم آن پیشنهاد کرد: «... در صورت عدم

توفیق کنگره مشترک در تحقق وحدت به هر دلیل، به «اتحادی در راستای وحدت» در میان نیروهای پروژه وحدت، در اشکال مورد توافق، شکل داده شود». پیشنهاد با مخالفت جدی دو سازمان دیگر و کنش‌گران چپ روبه‌رو شد.

درست سه سال پس از انتشار فراخوان در تاریخ ۲۱ آبان ۱۳۹۴ شورای موقت سوسیالیست‌های چپ ایران اعلام کرد: «... سازمان ما پروژه مشخص نامبرده را پایان یافته تلقی می‌کند...» [۳].

سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران، با اینکه در کنگره فوق‌العاده دوازدهم (خرداد ۱۳۹۴) نتوانست پیرامون ادامه یا توقف پروژه به تصمیم برسد، عملاً کار را به صورت سازمانی در این زمینه معلق کرد و یک سال پس از آن در کنگره سیزدهم (مرداد ۱۳۹۵) رسماً اعلام کرد: «... پروژه «شکل‌دهی به تشکل بزرگ چپ» به نتیجه نرسیده و پایان یافته است...» [۴].

کنش‌گران چپ نیز دو دسته شدند، شماری پی‌گرفتن راه همگرایی را برگزیدند و شماری بیشتر از روند کناره‌گرفتند و روی‌کرد خود را پسین‌ترها در تاریخ ۶ خرداد ۱۳۹۶ توضیح دادند، از «... شکست این پروژه...» سخن گفتند و نوشتند: «... این پروژه با ناکامی مواجه گردید...» و «... این پروژه... نهایتاً به بن‌بست رسید...» [۲].

با کنار کشیدن ۲ سازمان از ۳ سازمان امضاکننده «فراخوان» «روند شکل‌دهی تشکل بزرگ چپ» یا به اصطلاح «پروژه وحدت چپ» به پایان رسید. اکنون کمتر از نیمی از اعضای سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران و شماری از «کنش‌گران چپ» خواستار وحدت با سازمان و تشکیل حزبی واحد بودند و به هیچ شکل دیگری از هم‌گرایی نیز تمایل نداشتند. اگر تا دیروز ۲ سازمان می‌گفتند

می‌خواهند با سازمان وحدت کنند، امروز دیگر پای هیچ سازمان یا تشکلی در میان نبود و ما با رفقای مواجه بودیم که در هیچ سازمان سیاسی متشکل نبودند و در عین حال خواستار وحدت با سازمان ما و تشکیل حزبی واحد بودند. شمار چشمگیری از اعضای سازمان نیز با آن رفقا همراهی می‌کردند و خواستار وحدت سازمان با آن رفقا و تشکیل حزبی واحد بودند.

برخورد مسئولانه با رفقای خواستار همگرایی با سازمان و برخورد سازنده و بردبارانه با اشتیاق ده‌ساله برای همگرایی در درون تشکیلات، ایجاب می‌کرد سازمان راهی برای برخورد مناسب با شرایط جدید پیدا کند. گفت‌وگوهای بسیار گسترده و دامنه‌دار و باز و شفاف در این زمینه در میان کل تشکیلات پاکرفت و سازمان‌دهی شد. کمیسیونی که از سوی شورای مرکزی چهاردهم برای تدارک مضمونی کنگره پانزدهم تشکیل یافته بود، بر پایه دستاورد دوروبر یک سال گفت‌وگوهای تشکیلاتی و چندین میزگرد و نشست درون سازمانی، قرار «بنیان‌گذاری تشکل مشترک سیاسی با مضمون حزبی» را تدوین و به کنگره پیشنهاد کرد.

کنگره پیشنهاد را تدقیق و تصویب کرد. «کنگره فوق‌العاده سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) در راستای عزم سازمان ناظر بر تأمین وحدت هر چه گسترده‌تر در صفوف نیروهای چپ ایران نهادهای منتخب خود را موظف می‌کند با تأمین توافق هم‌راهان کنونی خواهان فعالیت تشکیلاتی واحد، همراه آنان اقدام به بنیان‌گذاری یک تشکل مشترک سیاسی با مضمون حزبی نماید» [۵]. این راهکار از سوی آن شمار از اعضای سازمان اتحاد فداییان خلق ایران و آن شمار از کنش‌گران چپ که خواستار همگرایی با سازمان بودند نیز پذیرفته شد. سه جریان اسفند ماه ۱۳۹۵ برای هم‌آهنگی کارها و تدارک بنیان‌گذاری یک «هیئت برگزاری کنگره مشترک» تشکیل دادند.

دو دیدگاه در مورد همگرایی و وحدت

در نوشتار آمده است «... سازمان پرستی اجازه نمی‌دهد که آن‌ها از چارچوب تشکیلات موجود بیرون بیایند و با دیگر جریان‌های چپ وحدت کنند. آن‌ها ترجیح می‌دهند در همان خانه کوچک بمانند...». راست این است که در رابطه با همگرایی و وحدت دیدگاه‌های گوناگونی در سازمان وجود دارند.

یک دیدگاه همین است که دقت کردن و تامل کردن و شتاب نکردن در وحدت را سازمان پرستی می‌نامد و بی‌پروا تهمت می‌زند که «سازمان پرستی اجازه نمی‌دهد که آن‌ها از چارچوب تشکیلات موجود بیرون بیایند و با دیگر جریان‌های چپ وحدت کنند. آن‌ها ترجیح می‌دهند در همان خانه کوچک بمانند». این دیدگاه می‌پندارد مسئولان سازمانی مجازند در سطح مدیریت مرکزی حزب‌ها و سازمان‌های سیاسی وحدت کرده و سپس آن را در پایه اجتماعی توجیه کنند.

دیدگاه دیگر همان است که در مصوبه‌های کنگره‌های چهاردهم، پانزدهم و شانزدهم سازمان برجسته است. مصوبه کنگره چهاردهم تأکید می‌کند بر ضرورت مشارکت نیروهای طرف‌های پروژه در داخل کشور و پایگاه اجتماعی آنان، مصوبه کنگره پانزدهم بر مشارکت دادن نیروهای سازمان در تشکل جدید پامی فشارد، و در مصوبه کنگره شانزدهم گفته می‌شود هنوز اهداف مورد نظر دوره گذار، مشخصاً جلب نظر پایگاه اجتماعی سازمان نسبت به حزب چپ ایران (فداییان خلق)، تحقق نیافته است. این دیدگاه بر آن است که سازمانی با رگوریشه‌ای گسترده و پیچیده در داخل کشور نمی‌تواند بدون همراهی پایه اجتماعی‌اش، که پیوندی شصت‌ساله با آن دارد، به این سادگی‌ها در خارج از کشور در باره سرنوشت خود تصمیم بگیرد. بر پایه همین دیدگاه، پیش‌نویس قرار ارائه شده از سوی کمیسیون تدارک به کنگره پانزدهم

دربرگیرنده بندی بود، مبنی بر این که تصمیم‌گیری قطعی در باره کنش‌گری سازمان تنها با حضور همه نیروهای سازمان امکان‌پذیر است و صورت خواهد گرفت. کنگره با بدیهی شمردن این امر، از گنجاندن آن در قرار مصوب خود چشم‌پوشی کرد.

این دیدگاه از سوی اعضای تشکیلات سازمان و از سوی گروه‌های هوادار سازمان در داخل نیز بارها و بارها به کنگره‌های سازمان یادآوری شد و در گفت‌وگوهای درون‌سازمانی و در نوشتارهای رفقا مورد تاکید قرار گرفت ولی شوربختانه مورد توجه برخی رفقا قرار نگرفت. اکثریت قریب به اتفاق اعضای قدیمی سازمان، هواداران سازمان در داخل و خانواده رفقای جان‌باخته سازمان نیز این دیدگاه را تأیید و اعلام می‌کنند، تا زمان تامین شرایط آزاد برای تصمیم‌گیری همه فداییان، هیچ نیرویی حق ندارد در باره سرنوشت سازمان تصمیم بگیرد.

تحریف مصوبه‌های کنگره‌ها

در نوشتار آمده است «... پیام این تلقی را ارائه می‌دهد که گویا سازمان تصمیم گرفته بود تا استقرار و تثبیت جایگاه حزب چپ ایران (فدائیان خلق) فعالیت خود را به پایین‌ترین سطح ممکن کاهش دهد و بعد از تشکیل و تثبیت حزب کنشگری خود را آغاز کند. چنین تصمیمی با این مشخصات در هیچ کنگره‌ای اتخاذ نشده بود...».

راست این است که کنگره پانزدهم به صراحت در بند چهارم مصوبه خود گفته «بنیان‌گذاری «تشکل مشترک حزبی» و اختصاص نیروی لازم از سوی سازمان برای پا گرفتن آن به معنای تصمیم‌گیری بلافصل در باره چند و چون فعالیت سازمان نیست. سازمان با توجه به پیشرفت روند بنیان‌گذاری «تشکل مشترک حزبی» و وضعیت لحظه آن، با برگزاری کنگره یا از

طریق همه‌پرسی پیرامون گام‌های بعدی خود در این زمینه تصمیم می‌گیرد...». این تصمیم در هیچ کنگره‌ای لغو نشده و بر پایه همین تصمیم بود که کنگره هژدهم سازمان محدودیت مصوب کنگره شانزدهم در مورد نشریه کار را لغو کرد. خود نویسنده نوشتار نیز از مدافعان برداشتن این محدودیت در کنگره هژدهم بود.

در باره اتهام پیمان‌شکنی

در نوشتار آمده است «... متأسفانه کنگره ۱۹... توافق صورت گرفته که با کسب ۹۱ درصد رای مثبت شرکت‌کنندگان در همه‌پرسی به تصویب رسیده بود، را نقض کرد...».

راست این است که خود این نوشتار است که شوربختانه توافق صورت گرفته را با طرح ادعاهای غیرقابل اثباتی چون «برخورد تمامیت‌خواهانه، تخریب‌ها و اتهام‌زدن‌ها و...» نقض می‌کند، در حالی که نه نشانی برخورد تمامیت‌خواهانه را در اسناد کنگره ارائه می‌کند، نه نمونه‌ای از تخریب‌ها نشان می‌دهد و نه نمونه‌ای از اتهام‌زدن‌ها! فراتر از آن نوشتار با برخورد غیررفیقانه و نامحترمانه با آن اعضای سازمان که کنش‌گری خود را به حزب منتقل نکرده‌اند، آن‌ها را نیروهای غیرفعال و کسانی که در حیات سازمان کاری نکرده‌اند قلمداد می‌کند و مصوبه همه‌پرسی را زیرپا می‌گذارد و ادعای کاذب اقلیت از اکثریت را می‌سازد و می‌پردازد. نوشتار با این پیمان‌شکنی‌ها و بی‌احترامی‌ها و ردیف کردن اتهاماتی که هیچ‌یک قابل اثبات نیست، تنها کاری که می‌کند جوی غیررفیقانه و بدبینانه ایجاد می‌کند و بذر نفاق و دوری می‌پراکند.

حذف جمعی متشکل و قانونی

در نوشتار آمده است «برخلاف پیام کنگره که روندهای طی شده را کتمان و با تاریخ‌سازی دلخواسته، اکثریت سازمان را بمثابة جمعی متشکل و قانونی حذف» [می‌کند].

راست این است که مشخص نیست منظور حذف کدام جمع متشکل و قانونی و از کجا است! آیا منظور نوشتار این است که اعضای از سازمان که کنش‌گری خود را به حزب چپ منتقل کرده‌اند، در داخل حزب به‌صورت جمعی متشکل و قانونی سازمان یافته‌اند؟ اگر منظور حذف در سازمان باشد، سازمان عضویت رفقای را که کنش‌گری خود را به حزب چپ منتقل کرده‌اند تعلیق نکرده است. عضویت هم‌زمان در سازمان و حزب چپ، طبق مصوبه کنگره پانزدهم که در کنگره شانزدهم تمدید شد، کماکان در سازمان به رسمیت شناخته می‌شود. البته در سازمان هیچ جمع متشکل و قانونی غیر از تشکیلات سازمان و نهادهای برگزیده کنگره یا شورای مرکزی وجود ندارد.

حزب چپ، نزدیک‌ترین جریان سیاسی به سازمان!

کنگره نوزدهم تاکید می‌کند «سازمان بنیان‌گذاری حزب چپ ایران (فداییان خلق) را دستاوردی ارزنده در راستای هم‌گرایی نیروهای فدایی، چپ و عدالت‌خواه تلقی می‌کند و از آنجایی که آن را در راه رزم سترگ تاریخی خود نزدیک‌ترین جریان سیاسی به‌خود می‌شمارد، همه کوشش خود را برای همسویی، همکاری و هماهنگی با حزب به کار خواهد برد».

من امیدوارم شورای مرکزی سازمان بتواند در پیشبرد اراده مصرح در مصوبه کنگره نوزدهم از اقبال و همراهی نهادهای حزب چپ برخوردار شود و سازمان و حزب بتوانند بیش‌ترین همسویی، همکاری و هماهنگی را با یکدیگر داشته باشند.

پانویس‌ها

[۱] <https://www.kar-online.com/node/5490>

[۲] <https://asre-nou.net/php/view.php?objnr=40932>

اطلاعیه - objnr=40932 «رونند و نتیجه پروژه «شکل‌دهی تشکل بزرگ چپ» (جمع‌بندی و ارزیابی ما)» با امضای «کمیته مرکزی سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران، شورای موقت سوسیالیست‌های چپ ایران و تعدادی از کنشگران چپ».

[۳] اطلاعیه شورای موقت سوسیالیست‌های چپ ایران در باره پروژه وحدت چهار جریان سیاسی

[۴] سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران در کنگره سیزدهم (مرداد ۱۳۹۵) رسماً اعلام کرد: «... پروژه «شکل‌دهی به تشکل بزرگ چپ» به نتیجه نرسیده و پایان یافته است...». (این سند پیش‌تر در نشانی <http://www.etehadfedaiian.org/?p=15550> در دسترس بود. اکنون آن را در پیوست‌های اطلاعیه پانویس ۲ در نشانی <https://asre-nou.net/php/view.php?objnr=40932> می‌توان دید).

[۵] <https://kar-online.com/node/11233>

به نقل از اخبار روز: <https://www.akhbar-rooz.com/163199/1401/05/04>